

گفت سوزنی را که در خانه گم کرده‌ام ، گفتند ای ابله چیزی که در خانه گم کرده‌ی در کوچه میجویی ؟ گفت چکنم که خانه تاریکست و چراغ ندارم ،<sup>۱</sup>  
**ابلهی** را روزی زنبوری بر گردن نشسته بود، یاران او را تشبیه کردند تا باستین دور انداخت ، بعد از آن یکیک را درخواست میکرد که نگاه کنید مرا نگزیده باشد ،

**سواری** ابله در میان لشکری افتاد، نیمشب شبیخون بر آن لشکر آوردند و غوغا برخاست ، ابله بترسید و برجست که لگام بر سر اسب زند ، سراز دم اسب نمی‌شناخت ، لگام را آورده بود و دست در کفل و دم اسب میکشید ، و از روی حیرت میگفت گرفتم که مر تو بزرگ و پیشانی تو پهن شدست ، آخر موی پیشانی تو چنین دراز از کجا شد ؟

**پسری** و مادری هر دو ابله در صحرائی بر سرچاهی رسیدند که در قعر آن آب زلال بود ، پسر در چاه فرو نگرست عکس خود را دید ، فریاد بر کشید که ای مادر بیا و نظاره کن که در قعر اینچاه مردیست، مادر پهلوی پسر آمد و فرو نگرست گفت والله که با آن مرد قحبه‌بی نیز هست ،

**دو ابله** در راهی میرفتند، گفتند با هم سخنی گوئیم و راهرا بان قطع کنیم، یکی گفت من آن خواهم که خدایتعالی مرا هزار گوسفند دهد ، تا از پشم و شیر و بره و بزغاله آن منتفع شوم، بکوری حسودان ، دیگری گفت من آن خواهم که خدایتعالی مرا هزار گاو درنده بدهد ، و ایشان را سردر رسته تو دهم تا یکیک گوسفندان ترا میدرنند و میخورند ، بکوری بخیلان ، صاحب گوسفندان گفت از خدا شرم نمیداری که اینهمه گاو را سردر رسته من میدهی و مال حلال مرا ضایع میکنی ؟ طریق یاری و همراهی چنین نباشد ، صاحب گاوگان گفت تو از خدا شرم نمیداری که اینهمه شیر و بره و بزغاله را میخوری و هرگز مرا رعایتی نمیکنی ؟ صاحب گوسفندان گفت رعایت تو بر من واجب نیست، و من چندان عیال و اطفال و خویشان درویش دارم که بتو نمیتوانم پرداخت ، صاحب گاوگان گفت بر من نیز واجب نیست که ملاحظه جانب تو کنم و باین اسساک و بخل که توداری مدارا و مواسا نمایم ، میان

ایشان جنگ بمثابه‌یی شد که در یکدیگر آویختند، و از سر و روی هم خون بر خاک ریختند، و چون مانده شدند بر کناره راه بنشستند، دیدند که پیری می‌آید و یک خیک عسل گذاخته بردراز گوشی بار کرده بشهر می‌برد، باهم گفتند این پیر میان ما محاکمه کند، چون نزدیک رسید برخاستند و سلام کردند و قصه باز گفتند، پیر کاردی بکشید و خیک را سراسر بدوید، و تمام عسلها را بر خاک ریخت پس گفت خون من مثل این عسل بر خاک ریخته باد اگر شما هر دو ابله نباشید،

**ازهرجماز** کسی بودست در عرب مشهور ببلادت و معروف بحماقت، و از حکایات بسیار منقولست، از جمله آنکه روزی ده شتر پیش کرده بود و بجایی میرفت، چون دوسه فرسنگی پیاده رفت بریک شتر سوار شد و باقی را بشمرد نه شتر بود، گفت من ده شتر داشتم یکی دیگر کجا رفت؟ پس خود را از شتر انداخت و بهرسو دوید و از شتر نشان نیافت، ملول باز گشت و بر سرشتران آمد، و بشمرد ده شتر بود، خوشدل شد شترانرا پیش کرد و رو براه آورد، بعد از دوسه فرسنگ باز برشتری سوار شد و شترانرا شمرد نه شتر دید، باز خود را انداخت و بهرسو دویدن گرفت همچنین چند کُرت اینصورت واقع شد، که چون سوار شدی مر کوب را بشمار در نیاوردی، و بسی تر دد کردی آخر پیاده روان شد، و گفت پیاده روم و شتران من ده باشند، به از آنکه سواره روم و شتران من نه باشند،

**خراسانی** در کاروانی خری گم کرده بود، خر دیگری را بگرفت و بار کرد، صاحب خر بیامد و گردن خر خود بگرفت و بار او بینداخت، خراسانی آغاز غوغا کرد، مردم گفتند خر تو نر بود یا ماده؟ گفت نر، گفتند این خرباری ماده است، گفت خر من چندان نر هم نبود،

**خر غوری** را دزدیدند، غوری سجده شکر بجای آورد، گفتند ای غوری چه محل سجده شکرست؟ گفت اگر من سوار بودمی و مرانیز بدزدیدندی، چه میکردم؟  
**غوری** هر گز بشهر هرات نرسیده بود، روزی بشهر درآمد چون بچار سوق رسید، دکان قنادی دید آراسته بانواع شکر بار، پیش رفت و طبقی بزرگ پراز نقل بادام دید، دست دراز کرد و مشتی از آن بر بود، قناد خواست که سر دستش

بگیرد غوری بسبکدستی در دهان انداخت ، و گفت اینک نه تراشد و نه مرا ،  
**سردی وجیه بمجلس قاضی ابویوسف** درآمد ، قاضی او را تقدیم کرد  
و تعظیم تمام نمود ، و او در آن مجلس بسیار سکوت کرد ، قاضی بروی گمان  
فضل و کمالی برد ، بعد از آن گفت سخنی فرمایید ، گفت برای تحقیق مسأله‌یی  
آمده ام و سؤالی دارم ، قاضی گفت آنچه دائم جواب گویم ، گفت صائم کی روزه  
گشاید ؟ گفت وقتیکه آفتاب غروب کند ، گفت شاید تا نیمشب غروب نکند ؟  
قاضی بخندید و گفت چه نیکو گفتست جریر شاعر :

وَفِي الصُّمِّ زَيْنٌ لِلْفَبِيِّ وَإِنَّمَا <sup>بیت</sup> صَحِيفَةٌ لِبِ الْمَرْءِ أَنْ يَتَكَلَّمَ

یعنی در خاموشی زیب و زینست مرد ضعیف رای بیخرد را ، و بدرستیکه صحیفه  
عقل مرد از سخن گفتن او معلوم شود ، همچنانکه بی عقلی او هم از سخن گفتن ظاهر  
شود ، پس اگر سنجیده گوید ، عاقل و بخردست ، و اگر بیهده گوید ، احمق  
و نادانست ،

۱ - ابو حزره جریر بن عطیه متوفی بسال ۱۱۰ یا ۱۱۱ از فحول شعرای عصر بنی امیه است ،

## فصل سوم

### در لطائف دروغگویان

از دروغگویی پرسیدند هرگز راست گفته‌یی؟ گفت اگر گویم آری، دروغ گفته باشم،

اصمعی<sup>۱</sup> گوید از عربی که نزد قوم خود بدروغگویی مقرر بود، پرسیدم که **يَا آخَا الْعَرَبِ** هرگز راست گفته‌یی؟ گفت اگر نه آن بودی که میگفتند راست میگوی، میگفتم نی،

**ابن البشير** شاعر از مشاهیرست در کذب، روزی کسی پیش او لافی میزد و بآباء و اجداد خود مفاخرتی مینمود، ابن البشير گفت پیش من پیدران خود مباحات میکنی؟ و حال آنکه بزرگی جد من بمشابهی بود که یکبار بی آنکه یراق شکار کند بصید بیرون رفته بود، چهار هزار غلام و کنیزك صاحبجمال که حاضر بودند با او سوار شدند، و هر یک براسبی اشهب<sup>۲</sup> نشستند که زین و لجام آن زرانود بود، و هر یک بازی سفید که پوشش طاوسی داشت، بر سردست گرفته و در دست هر یک بهله<sup>۳</sup> زر دوزی بود، و در گردن هر بازی لعل بدخشی بوزن سه مثقال، و در زعفران زاری سیر و تماشا میکردند، که سی فرسنگ در سی فرسنگ عرض و طول آن بود، و هر بازی آنروز سه مرغابی بزرگ صید کرده بود، که مجموع دوازده هزار مرغابی باشد، گفت **یا ابن البشير** از آن تمول و تجمل هیچ اثری باقی ماندست یانی؟ گفت حقتعالی همه را از من باز گرفت برای امتحان، که شکر میگذارم یا کفران میورزم،

۱ - ابو سعید عبدالملک باهلی در شعر و فنون ادب از اکابر ادبای عربست وفاتش را از ۲۱۴ تا ۲۲۱ نوشته‌اند، «ریحانة الادب»

۲ - اسب اشهب : اسب سیاه‌رنگ که سفیدی در رنگش غالب باشد، «غیاث»

۳ - بهله : برون قهوه، پوستی باشد که باندام پنجه دست دوزند و میرشکاران بردست کشتند و چرخ و باز و شاهین را بدست گیرند، «برهان»

نظیر این حکایتست آنچه مولانا خسروی شاعر<sup>۱</sup> میگفت که پدر من در وقت ختنه کردن من سوری ساخته بود، و در طعام ختنه سوران من از جمله مصالح صد من زعفران سوده کمندی بکار برده بود، حاضران گفتند اینهمه زعفران در کدام طعام بکار رفت؟ گفت چهل من در برنج مزعفر، و سی من در نخود آب، و ده من در قلیه بای بغرا<sup>۲</sup> و ده من در حلوا، گفتند این نود من شد ده من دیگر را کجا بکار بردند؟ خسروی فروماند و بفکر فرو رفت، بعد از مدتی مدید سر بر آورد و بنشاط تمام گفت یافتم، ده من دیگر در سنبوسه مرصع<sup>۳</sup>،

۱ - خسروی هروی از معاصران مولوی عبدالرحمن جامی بوده و این بیت ازوست :  
 بستان حسن را گل روی تو آب داد      گوش بنفشه را سر زلف تو تاب داد  
 « روز روشن »

۲ - بغرا : بضم اول نام آشی است. « برهان »

۳ - سنبوسه : بفتح اول، قطاب، آنچه از خمیر بشکل مثلث سازند، « فرهنگ دیوان اطعمه »

## فصل چهارم

در لطائف مدعیان نبوت

**سردی** را از غایت افلاس خبط دماغ بهمرسیده بود، و دعوی نبوت کرد او را گرفتند و پیش پادشاه بردند، پادشاه خواست که او را ایداء کند، گفت این چه سخنت که میگویی؟ گفت من پیغمبر بعظم بمن میباید که بگروید، پادشاه گفت معجزه تو چیست؟ گفت آنکه بر ضمائر اطلاع دارم، پادشاه گفت اگر در دعوی خود صادقی بگویی که حالی در خاطر من چه میگردد؟ گفت در خاطر تو این میگردد که من دروغ میگویم، پادشاه بخندید و از سر ایدای او در گذشت،

**شخصی** نزد پادشاهی رفت، که من پیغمبر خدایم بمن ایمان آر، گفت معجزه تو چیست؟ گفت هر چه خواهی، پادشاه قفل مشکل گشایی پیش او نهاد، و گفت که اگر راست میگویی این قفل را بی کلید بگشای، گفت من دعوی پیغمبری میکنم نه دعوی آهنگری،

در زمان یکی از خلفای بغداد شخصی دعوی پیغمبری کرد که از غایت افلاس خبط دماغ شده بود، او را پیش خلیفه آوردند، پرسید که چه میگویی؟ گفت جبرئیل در هر سه روز یکبار بمن فرود میآید، خلیفه گفت معجزه تو چیست؟ گفت آنکه از نفس من بوی مشک اذفر میدمد، خلیفه را برو رحم آمد و گفت دماغ این مسکین خلل یافتست، او را بمطبخ خاص من برید، و هر روز او را نخود آب سزعفر مطیب<sup>۱</sup> دهید که بمرغ جوان فربه پخته باشند، و صبح و شام شربت های معطر دهیدش، بعد از ده روز او را طلبید، گفت ایدرویش حال چیست؟ گفت بدولت پادشاه خوشترست، گفت جبرئیل بر تو فرود میآید؟ گفت پیشتر در هر سه روز یکبار فرود میآمد، اما درین روزها هر روز سه بار میآید، گفت چه پیغام میآورد؟ گفت

۱ - مطیب : خوشبو کرده شده ، «متنخب»

میگوید که خوش جایی یافته‌ی ، زنهار که نجیبی و ازینجا بیرون نروی ، که هرگز مثل این جایی نخواهی یافت ،<sup>۱</sup>

سردی در بغداد دعوی پیغمبری کرد ، او را پیش خلیفه بردند ، وقتیکه عصایی بلند در دست داشت ، خلیفه از او پرسید که چه کسی و چه میگویی ؟ گفت من **موسی بن عمرانم** و این عصای منست ، خلیفه گفت موسی بمعجزه عصای خود را اژدها میساخت ، تو نیز اگر درین دعوی صادقی عصای خود را اژدها کن ، گفت ای خلیفه وقتی عصای موسی اژدها میشد که فرعون دعوی **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** میکرد تو اگر آن دعوی پیش گیری ، من نیز عصای خود اژدها گردانم ،<sup>۲</sup>

**شخصی** نزد خلیفه بغداد رفت که من پیغمبرم ، خلیفه گفت معجزه تو چیست ؟ گفت هر چه اراده کنی ، گفت تخم خربزه را در پیش من بکار که فی الفور سبز شود ، و گل کند و خربزه بندد و پخته گردد ، گفت مرا چار روز مهلت ده ، گفت مهلت نیست ، گفت ای بی انصاف خدای عزوجل را باوجود قدرت کامله اش چار ماه مهلت میدهی تا خربزه میرساند ، و مرا چار روز مهلت نمیدهی ؟

**زنی** را افلاس دریافته بود و دماغ او را مخبط ساخته ، نزد خلیفه بغداد رفت که من پیغمبر شده‌ام ، و از آسمان وحی بمن فرود میآید ، خلیفه گفت مگر این حدیث بتو نرسیده است ؟ که **رَسُولٌ مِّنْ فِرْعَوْنَ لَا يَبْعَثُ عَنْ فِرْعَوْنَ شَيْئًا** ، گفت بلی فرموده **لَا نَبِيَّ بَعْدِي** ، و نفرموده که **لَا نَبِيَّ بَعْدِي** یعنی فرموده که بعد از من هیچ مردی پیغمبر نخواهد بود ، و نفرموده که هیچ زنی پیغمبر نخواهد بود ، خلیفه بخندید و انعام لایق حال باو عنایت نمود ،

۱ - از لطائف عبیدست ، «س ۹۲»

۲ - از مأمون منقولست که فرمود در عمر خویش از سه کس ملزم گشتم و در برابر ایشان سخن نتوانستم گفت یکی از مادر فضل بن سهل ..... و دیگر از شخصی که دعوی نبوت میکرد و آن چنان بود که او را پیش من آوردند و من از وی پرسیدم که تو چه کسی ؟ گفت موسی بن عمرانم ، گفتم موسی آیات و علامات داشت ، مثل پد بیضا و عصا و غیر اینها اگر تو یکی ازین معجزات بمن نمایی بتو ایمان آورم و الا گردنت بزخم گفت نیک فرمودی اما فرعون دعوی خدایی کرده **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** گفت تا موسی معجزات نمود و اگر تو آن گویی که فرعون گفت من نیز آیات موسی بنمایم ... ،

«ر. ضة الصفاء ج ۳ احوالات مأمون»

## فصل پنجم

### در لطائف دیوانگان نسبت پیداشاهان

در ریاض القدس آورده که پادشاهی دیوانه‌یی در گورستان دید، گفت چرا بمعموره نیایی؟ گفت آنان که بمعموره‌اند آخر کجا روند؟ گفت اینجا آیند، گفت پس معموره اینجا باشد، پادشاه گفت ای دیوانه سخن عاقلانه می‌گویی، گفت اگر دیوانه بودمی باقی را بفانی بدل کردمی، چنانچه تو کردی، اینسخن درو چنان جای گرفت که از سرملک برخاست،

روزی هارون الرشید از کنار گورستان می‌گذشت، بهلول<sup>۱</sup> و علیان<sup>۲</sup> مجنون را دید که با هم نشسته‌اند و سخن می‌گویند، خواست که با ایشان مطایبه کند بفرمود تا هر دو را آوردند، گفت من امروز دیوانه می‌کشم، جلاد را طلب کنید فی الحال حاضر شد با شمشیر کشیده، و علیان را بنشانند که گردن زند، گفت ای هارون چه میکنی؟ گفت امروز دیوانه می‌کشم، گفت سبحان الله ما درین شهر دو دیوانه بودیم، تو سوم ما شدی، تو ما را بکشی که ترا بکشد؟

هارون الرشید از بهلول پرسید که دوست‌ترین مردم نزد تو کیست؟ گفت آنکس که شکم مرا سیر کند، گفت اگر من شکم ترا سیر کنم مرا دوست‌داری؟ گفت دوستی بنسبه نمیباشد،

نصر بن احمد سامانی<sup>۳</sup> بشکار میرفت و سگی سرس<sup>۴</sup> کرده داشت، بر کنار گورستان دیوانه‌یی دید، وزیر خود را گفت با وی مطایبه می‌کنم، گفت مبادا

۱ - بهلول: وهیب بن عمرو کوفی، صوفی عالم عارف کامل و کاشف از اسرار فنون و معروف بهلول مجنون نوادر وی در کتب سیر و اخبار بسیارست، وفاتش بسال ۱۹۲ واقع شدست، «ریحانة الادب و منتظم»

۲ - علیان: بضم اول و فتح ثانی و تشدید ثالث یکی از عقلای مجانین اواخر قرن دوم هجری و نام اصلی او علی بوده کلمات عاقلانه و حکیمانه‌اش بسیارست، «ریحانة الادب»

۳ - امیر سمید ابوالحسن نصر بن احمد (۳۰۱ - ۳۳۱) حبیب السیر، ج ۲ ص ۳۵۶ و ۳۵۷

۴ - سرس: بفتح تین رسی بود که در گلوی اسب و سگ و غیره بندند، «غیاث»



بی ادبی کند، گفت باکی نیست، پیش راند و گفت ای دیوانه این سگ بهترست با تو؟ گفت سگ هرگز نافرمانی خدا نکند، پس اگر من و تو فرمان او بریم از سگ بهتریم، و اگر نافرمانی کنیم، سگ بر من و تو شرف دارد،

علاء بن عمرو والی طبرستان شد، و در آنسال قحط افتاد، مردم علاء را شوم قدم گفتند، روزی بدعای استسقاء بیرون رفتند، خطیب در خطبه دعا کرد که: **اللَّهُمَّ ارْفَعْ عَنَّا الْفَلَآءَ**، یعنی بار خدایا بردار از ما خشکسالی را، دیوانه بی آنجا بود گفت **اللَّهُمَّ ارْفَعْ عَنَّا الْعَلَآءَ**، مردم بخندیدند و علاء خجل شد،<sup>۱</sup>

**حمود غزنوی** چون **دارالشفای غزنین** ساخت، بر آنجا دکا کین و طواحن و مزارع وقف کرد، روزی برسم تفرج بدانجا درآمد، موضعی خوش و مقامی دلکش دید، مشتمل بر اشجار و انهار، آنجا دو رکعت نماز گزارد، دیوانه بی بزنجیر در گوشه بی محبوس بود، آواز برداشت که ای **حمود** این چه نماز بود که گزاردی؟ گفت بجهت شکر گزاردم که توفیق این عمارت خیر یافتم، دیوانه گفت عجب کاریست، که دیوانه تویی و ما را بزنجیر میکنند، زر از عاقلان میگیری و صرف دیوانگان میکنی، ترا باین فضولی چه کار؟

روزی **سلطان حمود** **دارالشفاء** آمده بود، دید که دیوانه بی را در زنجیر کشیده اند و با فرط میخندد، گفت ای دیوانه این چه خنده است؟ گفت بر تو میخندم که پندار پادشاهی عجب مغروری، و از صوب صواب، و آداب ادب دوری، **حمود** گفت هیچ آرزو داری؟ گفت آری، قدری دنبه خام میخوام که بخورم **حمود** بفرمود تا پاره بی ترب آوردند و بدست وی دادند، او ترب میخورد و سر می جنبانید، **حمود** گفت این چه سر جنبانیدنست؟ گفت از جهت آنکه تا تو پادشاه شده بی از دنبه ها چربی رفتست، **حمود** بگریست و گفت سخن راست از دیوانه باید شنید،

۱ - در مازندران علاء نام حاکی بود سخت ظالم خشکسال روی نمود مردم باستسقاء بیرون رفتند چون از نماز فارغ شدند امام بر منبر دست بدعا برداشت گفت: **اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا الْبَلَاءَ وَالْوَبَاءَ وَ الْفَلَآءَ وَ الْعَلَآءَ**، «منتخب لطائف عبید»، ص ۹۱»

## فصل ششم

در لطائف دیوانگان نسبت بمقرّبان سلاطین و بزرگان  
روزی وزیر خلیفه بهلول را گفت ، دل خوش دار که خلیفه ترا تربیت  
کرد و بر سر خوک و خرس حاکم گردانید ، بهلول گفت اینزمان حاضر خود باش ،  
و قدم از فرمان من بیرون منه ، که رعیت منی ، خلیفه و اهل مجلس بخندیدند  
و وزیر منفعل شد ،

یکی ازندمای خلیفه بهلول را گفت اینجا چه نشسته یی ؟ برخیز و نزد  
وزیر خلیفه رو که هر دیوانه را پنج درم میدهد ، گفت اگر راست میگویی برو که  
ترا ده درم خواهد داد ، یعنی دیوانگی تو دوبرابر دیگرانست ،

دیوانه یی بحلقه درس ابویوسف در آمد ، و گفت از تو سؤالی دارم ،  
گفت پیرس ، گفت خدایتعالی میفرماید **وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ** یعنی نبوده هیچ  
گروهی از امتان گذشته ، مگر آنکه گذشت در میان ایشان بیم کننده یی از پیغمبران  
و حال آنکه سگان نیز امتی میباشد بحکم آیه : **وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ**  
**بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ** یعنی نیست هیچ جنبنده یی در زمین ، و نه هیچ پرنده یی که میپرد  
ببالهای خود در هوا ، مگر اینکه امتانند مثل شما ، پس بگوی که نذیر و بیم کننده  
سگان کیست ؟ ابویوسف حصر شد و از جواب او عاجز فروماند و هیچ نتوانست گفت ،

یکی از علمای بزرگ مصر حکایت کردست ، که مرا عزیز مصر برسالت  
نزد هرقل<sup>۳</sup> عظیم روم فرستاد ، چون بیارگاه او درآمدم ، پیش تخت او دیوانه یی  
دیدم ، که یکسر زنجیر زرین برپای او نهاده بودند و یکسر زنجیر برپایه تخت بسته ،  
و ازو حرکات شیرین و افعال موزون صادر میشد ، من باو متوجه شدم وقتی که هرقل

۱ - سورة سی و پنجم ( الفاطر ) آیه بیست و دوم ،

۲ - سورة ششم ( الانعام ) آیه سی و هشتم ،

۳ - هرقل : بکرها و کسرقاف لقب پادشاه روم و آنرا عظیم الروم نیز گویند و این لفظ

بکسر اول و فتح ثانی و سکون قاف نیز آمده است ، « غیاث »

با مری مشغول بود و با جمعی سخن میگفت ، پس زبان خود را بیرون آوردم و حرکت دادم ، او باواز بلند گفت سبحان الله کرا بسته اند و کرا گشاده ،

**دیوانه بی** در شهر بغداد از کودکان میگریخت ، که برو ازدحام کرده بودند و سنگ میزدند ، در آن گریختن بدرخانه یکی از بزرگان رسید ، و آن بزرگ بر دگانچه<sup>۱</sup> خانه خود نشسته ، و غلامان و نوکران پیش او ایستاده بودند ، دیوانه پیش دوید و این آیت خواند که : **يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ اِنَّ يَاجُوجَ وَ مَاجُوجَ مُّهِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ**<sup>۲</sup> یعنی ای ذوالقرنین بدرستیکه یاجوج و ماجوج تباہی کنند گانند در زمین ، **فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا**<sup>۳</sup> پس آیا ما بگردانیم و مقرر بسازیم برای تو مزدی و خرجی ، **عَلَىٰ اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا**<sup>۴</sup> بشرط آنکه بسازی میان ما و ایشان سدّی ، که مانع ایشان باشد از بیرون آمدن و فساد کردن ، خواهی از اقتباس او باین آیت متعجب شد ، و برو رحم آورده کودکان را دور کرد و او را سیر از طعام ساخت و بالطف تمام بنواخت ،

**دیوانه بی** از کودکان و سنگ جفای ایشان میگریخت ، بدرخانه منعمی رسید ، در دالان آن خانه گریخت و در را فرو بست و کودکان سنگها بدست بردر آن خانه منتظر او نشستند ، خواهی از خانه بدالان آمد ، دیوانه بی دید سر و پای برهنه و مجروح گشته ، و ژنده او پاره پاره شده ، برو رحم آورد و غلام را گفت تا یک طبق حلوی عسل و روغن بادام با دو قرص نان و حریره نیز برای او آوردند ، دیوانه که آن طعام لذیذ و نان لطیف دید و از آن حلوا قدری بچشید ، این آیت خواند که : **لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ** معنی آیت اینست که روز قیامت سوری و باره بی گرد مؤمنان کشند که **لَهُ بَابٌ** ، مر آن سور را دری باشد که **بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ** ، در درون او رحمت باشد زیرا که نزدیک جنتست ، و دری باشد که **مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ** در بیرون آن سور پیش مشرکان عذابست ، زیرا که نزدیک دوزخست ، خواهی را از اقتباس او بآن آیت حیرت آمد و برو رحم کرد ، و فرمود

۱ - دگانچه : ظاهراً سکوی خانه ،

۲ و ۳ و ۴ - هجلم ( الکهف ) آیه نود و سوم ،

۵ - سورة پنجاه و هفتم ( الحديد ) آیه سیزدهم ،

تا اطفال را از آن در برانند ، و او را جامه و زر داد و از دالان بیرون فرستاد ،  
دیوانه‌یی بود در قبیلهٔ بنی‌اسد مشهور ببلغدان روزی بر بطنی از بطون  
ثعلبه که ایشان را بنی‌تیم‌الله می‌گفتند گذر کرد ، با او تعرض کردند و بروسنگها  
زدند ، گفت ای بنی‌تیم‌الله من در عالم از شما سعیدتر مردم ندیده‌ام ، گفتند از کجا  
میگویی ؟ گفت از آنجا که من یک دیوانه‌ام در بنی‌اسد و دائم مرا مقید میدارند ،  
و زنجیر بردست و پای من مینهند ، و با آنکه شما تمام دیوانه‌بید و از شیوهٔ عقل و خرد  
بیگانه ، هیچکس شما را مقید نساخته و در زنجیر نینداخته ،

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## فصل هفتم

### در لطائف متفرقه دیوانگان

در **ریاض القدس** آوردست ، که دیوانه‌یی را دیدند که میدوید ، گفتند : **مَنْ آتَنَ إِلَى آتِنَ ،** از کجا بکجا میگریزی ؟ گفت : **مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ ،** گفتند این راه بغایت دور و درازست ، گفت : **لِمَنْ سَكَنَ إِلَى دَارِ الْغُرُورِ وَ لَمْ يَتَهَيَّأْ لِيَوْمِ النُّشُورِ ،** یعنی کسی را این راه دورست که ساکنست در دارغرور ، و مهیا نشده از برای روز نشور ،

**دیوانه‌یی** را پرسیدند که پروردگار خود را میشناسی ؟ گفت چگونه نشناسم کسی را که همیشه مرا گرسنه و برهنه میدارد ، و عقل مرا غارت کرده ، و اطفال شهر را بر من مسلط ساخته ، و مرا در بلای اید انداخته ،

**دیوانه‌یی** را گفتند چرا نماز نمیگذاری ؟ گفت زمین را این بس نیست که دائم پای برو میزنم که سر نیز برو بزنم ،

**دیوانه‌یی** را در بصره دیدند که خرما را با دانه میخورد ، گفتند چرا چنین میکنی ؟ گفت خرما فروش همچنین بر من وزن کرده ،

**بهلول بغدادی** وقتی در بصره بود ، او را گفتند دیوانگان بصره را بشمار ، گفت آن خود از شماره بیرونست ، اما اگر گوید که عاقلان را بشمار ، ایشان معدودی چند بیش نیستند .

**دوکس** باهم میگفتند نه **عایشه** گفتست که اگر من شب قدر را دریابم گویم نه : **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ ،** بهلول گفت نصف دیگر این دعا را گذاشتست ، گفتند آن کدامست ؟ گفت : **وَالظَّفَرَ عَلَى الْجَمَلِ ،** یعنی آن نیز میخواست که در **جنگ جمل** ظفر یابد ،

**دیوانه‌یی** بر در مسجد بوا میگرد ، حبشی او را منع کرد که این خانه خداست ، گفت جانبداری کن که بسیار روسفیدت کرده ،

**دیوانه‌یی** دید که مردی فریاد میزد و بیطاقتی میکرد ، پرسید که چه حال

داری؟ گفت مرا کژدم گزیده و عظیم دردمندم، گفت من زخم کژدم را دوائی مجرب میدانم که هیچکس نمیداند، آنمرد گفت از برای خدا آن دوا را بگویی دیوانه گفت: **مِنَ الْمَاءِ إِلَى الصَّبَاحِ**، یعنی دوائی تو منحصرست در ناله و فریاد از سرشب تا بامداد،

**دیوانه‌یی** پوستین باژگونه پوشیده بود، گفتند چرا موی را بالا کرده‌یی؟ گفت بسنت الهی عمل کرده‌ام که اگر موی در درون بهتر بودی، همه حیوانات را موی بدرون آفریدی،

**ریحانه مجنونه** از مجذوبات بود، و همیشه در گورستان اقامت کردی، و هرگز روی بعمارت نیاوردی، ازو سؤال کردند که همه عمر در گورستان میباشی جهت آن چیست؟ گفت بر در دروازه وصال نشسته‌ام و انتظار آن میبرم که کی باشد که این در باز شود،

### بیت

منتظر باش و چشم بردردار      کو نظرا در انتظار نهاد

والله یهدی الی الرشاد

## فهرست نام‌های گسان و خاندانها و طایفه‌ها ۱

ابن ابی حفصه ، رك : ابوالهندام مروان بن  
سليمان

ابن ابی دواد ، رك : احمد بن ابی دواد

ابن اثير ( عزالدين ابوالحسن علي بن  
ابی الكرم ) ۲۳ ، ۹۷

ابن الاخضر ( حافظ عبدالعزیز جنابدي ، ۵۵  
ابن البشير ، ۴۱۳

ابن بلخي ( صاحب فارسنامه ) ، سيزده

ابن جوزی ( ابوالفرج عبدالرحمن بن علي )  
۲۲ ، ۴۳

ابن جهم ، رك : علي بن جهم

ابن حجر عسقلانی ( ابوالفضل شهاب الدين  
احمد بن علي ) ۱۵

ابن حمدون ابوعبدالله احمد ابن ابراهيم  
۱۲۱ ، ۳۱۲

ابن حمدون ( محمد بن ابی سعيد حسن بن  
محمد بن علي بن حمدون ، بهاء الدين  
ابوالمعالی ) ، ۴۶ ، ۵۶

ابن حنفيه ، رك : محمد بن حنفيه

ابن خطاب ، رك : عمر بن الخطاب

ابن خطيب گنجوی ، ۲۴۶

ابن خلکان ، ۳۸۷

ابن دارست ، رك : تاج الملك فارسی

آ

آدم ( ابوالبشر ، صفی الله ) ، ۱۷۱ ، ۱۷۸ ،  
۳۲۷ ، ۳۴۵

آذری ( شيخ جلال الدين حمزة بن علي  
ملك ) ۲۷۱

آزاد بلگرامی ( مير غلامعلي ) ، ۲۸۲

آصف بن برخیا ، ۵۷

آغاجی ، ۲۱۰

آل ابی ثور ، ۳۹۴

آل جلاير ، ۲۵۰

آل سلجوق ، ۲۴۲ ، ۲۴۴ ، ۲۴۷

آل عبا ، یازده

آل فرعون ، ۲۹۳

آل محمد ، دوازده ، ۲۹۹

آل مظفر ، ۲۶۲

آل نبی ، ۱۸۷

الف

اباقآن ، ۲۶۹

ابراهيم ( نبی ) ، ۴۲ ، ۲۱۸ ، ۲۸۲

ابراهيم بن ذكوان الحرانی ، ۹۳

ابراهيم سلطان ( ميرزا ... ) ، ۲۵۲

ابراهيم بن عباس بن محمد بن صول كاتب ،  
۵۳

ابراهيم بن مالك اشتر نخعی ، ۸۴ ، ۸۵



ابو ايوب ، رك : سليمان بن عبد الملك  
 ابو ايوب ، رك : سليمان بن مخلد مورياتي  
 ابو ايوب رك : سليمان بن وهب  
 ابو ايوب ، رك : يحيى بن سعيد العاص  
 ابو البحر ، رك : احنف بن قيس  
 ابو بديل ، رك : خاقاني  
 ابو براء ، رك : عامر بن مالك  
 ابو البشر ، رك : آدم  
 ابو بكر زين الدين ، رك : ازرقى  
 ابو بكر ، رك : زين الدين خوافي  
 ابو بكر سنو جردى ( حاجى ... ) ، ١٧٦  
 ابي بكر صديق ، ٢٣ ، ٢٦  
 ابو بكر كرت ، ٣٧١  
 ابو بكر ، رك : محمد بن سيرين  
 ابو بكر ، رك : نجم الدين رازى  
 ابو تراب ، رك : على بن ابي طالب ، ع  
 ابو جعفر ، رك : محمد بن على بن الحسين ، ع  
 ابو جعفر ، رك : محمد بن على بن موسى ، ع  
 ابو جعفر ، رك : منتصر  
 ابو جعفر : رك هارون الرشيد  
 ابو الجناح ، رك نجم الدين كبرى  
 ابو الجيش ، رك : خمارويه  
 ابو الحارث ، رك : سنجر بن ملكشاه  
 ابو حازم ، رك : سلمة بن دينار  
 ابو حامد ، رك : عطار  
 ابو حامد ، رك : غزالي

ابن زياد ، رك : عبيد الله بن زياد  
 ابن سداد ، ٣٧٦  
 ابن سعد ( ابو عبد الله محمد بن سعد بن منيع  
 زهرى بصرى ) ، ١٩٠  
 ابن سيرين ، رك : محمد بن سيرين  
 ابن صخر ، رك : ابو هريره  
 ابن طولون شامى ، ٣٧٦  
 ابن عباس ، رك : عبد الله بن عباس  
 ابن عبد البر ( جمال الدين ابو عمر يوسف بن  
 عبد الله ) ، ١٥ ، ٢٤ ، ٢٥ ، ٢٨ ، ٣٤ ، ٤٧  
 ابن عربى ( شيخ الاكبر ) ، ١٧٠  
 ابن عربى ، رك : محبى الدين  
 ابن عيسى ، رك : على بن عيسى بن ماهان  
 ابن الفرات ( ابو الحسن بن محمد بن موسى  
 ابن حسن بن فرات ) ، ١١٥  
 ابن فروه ، رك : اسحق بن فروه  
 ابن مكرم ، ٢٩٦ ، ٣٠٣ ، ٣٠٤  
 ابن وهب ، رك : حسين بن وهب  
 ابن هلال ، رك : عبد الله بن هلال  
 ابن يمين فريوسدى ، ١٩٩  
 ابو احمد ، رك : عباس بن الحسن  
 ابو اسحق اينجو ( شاه شيخ جمال الدين ... ) ،  
 ٣٢٩  
 ابو اسحق ، رك : المهتدى بالله  
 ابو الاسود دئلى ، ٣٤٦  
 ابا اميه ، رك : شريح بن الحارث

ابوحزره ، رك : جرير شاعر  
 ابوالحسن حسینی فراهانی ، ۳۲۴  
 ابوالحسن ، رك : سری سقطی  
 ابوالحسن ، رك : سید رضی الدین  
 ( شریف رضی )  
 ابوالحسن ، رك : علی بن ایطالب ، ع  
 ابوالحسن ، رك : علی بن محمد ، ع  
 ابوالحسن ، رك : علی بن موسی الرضا ، ع  
 ابوالحسن ، رك : فخرالدوله ذیلمی  
 ابوالحسن ، رك : فرخی  
 ابوالحسین ، رك : احمد بن فارس  
 ابی الحسین ، رك : مسلم بن الحجاج  
 ابو حفص ، رك : نجم الدین عمر نسفی  
 ابو حنیفه كوفی ( نعمان بن ثابت ) ، ۴۹ ،  
 ۱۸۷  
 ابوریحان بیرونی ( محمد بن احمد  
 خوارزمی ) ، ۲۱۰ ،  
 ابوزید ، رك : غضائری رازی  
 ابوسعید ، رك : اصمعی  
 ابوسعید بن اولجایتو محمد خدا بنده ( بهادر  
 خان ) ، ۱۷۴ ، ۱۷۷ ، ۲۵۰ ، ۲۷۰  
 ابوسعید بن سلطان محمد بن جلال الدین  
 میرانشاه بن تیمور ، ۱۲۴ ، ۱۷۷ ، ۲۳۲ ،  
 ۲۳۳  
 ابوسعید ، رك ، حسن بصری

ابوسفیان ، رك : صخر بن حرب بن امیه  
 ابوسلمه ( خلال ) حفص بن سلیمان الكوفی ،  
 ۷۷  
 ابوصفوان ، رك : مخرمه بن نوفل زهری  
 ابی طالب ، جدول  
 ابوالطیب ، رك : طاهر بن حسین  
 ابوالعباس رویانی ، ۱۸۴  
 ابوالعباس ، رك : سفاح  
 ابوالعباس ، رك : سهل بن سعد  
 ابوالعباس ، رك : مأمون  
 ابوالعباس ، رك : المعتمد علی الله  
 ابو عبدالله ، رك : ابن حمدون  
 ابو عبدالله ، رك : امامی هروی  
 ابو عبدالله ، رك : جعفر بن محمد ، ع  
 ابو عبدالله ، رك : جماز  
 ابو عبدالله ، رك : حسین بن علی ، ع  
 ابو عبدالله ، رك : خوات بن جبیر  
 ابو عبدالله ، رك : سفیان ثوری  
 ابو عبدالله ، رك : شیخ مفید  
 ابو عبدالله ، رك : محمد بن یوسف بناء  
 ابو عبدالله ، رك : نسابه بکری  
 ابو عبدالرحمن ، رك : طاوس یمانی  
 ابو عبدالرحمن ، رك : عبدالله بن مسعود  
 ابو عبدالرحمن ، رك : عوف بن مالک  
 ابو عثمان ، رك : جاحظ  
 ابو عثمان ، رك : عمرو بن عبید

ابوالفضل ، رك : المقتدر بالله  
 ابوالفضل ، رك : يحيى بن خالد  
 ابوالفضل ، رك : ربيع حاجب  
 ابوالقاسم اسمعيل بن عباد ، رك : صاحب  
 عباد  
 ابوالقاسم بابريهادر ، ۱۸۶  
 ابوالقاسم ( جعفر بن حسن حلي ملقب  
 بهحقق ) ، ۴۳  
 ابوالقاسم ، رك : جنيد  
 ابوالقاسم ، رك : زمخشري  
 ابوالقاسم ، رك : سلطان شاه  
 ابوالقاسم ، رك : فردوسي  
 ابوالقاسم ، رك ، محمد بن حسن ، ع  
 ابولؤلؤ ( فيروز نصراني ) ، ۸۴  
 ابى لهب ، ۱۳۲ ، ۱۸۹  
 ابومحمد ، رك : اعمش  
 ابوالمحمد ، رك : امير كبير  
 ابومحمد ، رك : حجاج بن يوسف  
 ابومحمد ، رك : حسن بن علي ، ع ( مجتبي )  
 ابومحمد ، رك : حسن بن علي ، ع ( عسكري )  
 ابومحمد ، رك : رشيدى سمرقندى  
 ابومحمد ، رك : سفيان بن عيينه  
 ابومحمد ، رك : علي بن الحسين ، ع  
 ابومحمد ، رك ، مرتعش  
 ابومحمد ، رك : المكتفى بالله

ابوالعصر ، ( ابوالعص ؟ ) ، ۳۸۹ - ۳۹۰  
 ابوالعطاء ، رك : خواجهوى كرماني  
 ابوالعلاء ، رك : اشعب بن جبير  
 ابوالعلاء مراني ، ۱۸۹  
 ابوعلی : رك : حسن بن خالد  
 ابوعلی ، رك : دعبل خزاعي  
 ابوعلی ، رك : شقيق بلخي  
 ابوعلی ، رك : نظام الملك  
 ابو عمرو ، رك : ابن عبدالبر  
 ابو عمرو ، رك : شعبي كوفي  
 ابو عمير ، ۱۹  
 ابوالعيناء ( محمد بن قاسم بن خلاد بن  
 ياسر بن سليمان ضرير ) ، ۱۱۳ ، ۱۵۶ ،  
 ، ۲۹۶ ، ۲۹۹ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴ ، ۳۱۴ ،  
 ۳۲۱ ، ۳۳۲ ، ۳۵۱ ، ۳۷۶ ، ۳۸۸ ، ۳۸۹  
 ابوالغازي ، رك : سلطان حسين ميرزا بايقرا  
 ابوالغنائم ، رك : تاج الملك فارسي  
 ابوالفتح بستي ( نظام الدين علي بن محمد )  
 ۱۲۰  
 ابوالفضل بن عميد ، ۱۱۹  
 ابوالفتح بهرام ميرزا ، پانزده  
 ابوالفتح ( علي بن ابوالفضل بن عميد )  
 ۱۱۹  
 ابوالفتح ، رك : ملكشاه  
 ابوفراس ، رك : فرزدق  
 ابوالفرج ، رك : ابن جوزي

ابوهریره ، (عبد شمس بن صخر) ، ۸۴، ۱۵  
 ۱۳۱  
 ابو هلال عسکری ، رک : نعمان بن منذر بن  
 ماء السماء  
 ابو الهندام ، ( مروان بن سلیمان بن یحیی بن  
 ابی حفصه ) ، ۳۱۷  
 ابو الهیثم ، رک : عباس بن مرداس  
 ابو الهیجا ، رک : خاقان اکبر  
 ابو یحیی ، رک : صهیب بن سنان  
 ابو یزید ، رک : عقیل بن ایطالب  
 ابو یوسف ، رک : یعقوب بن ابراهیم  
 اتسز ( ابوالمظفر علاء الدوله اتسز بن  
 سلطان محمد خوارزمشاه ) ، ۱۵۵ ، ۲۴۳  
 ۲۴۵ ، ۲۴۴  
 احمد بن ابی دؤاد فرج بن جریر قنسرینی ،  
 ۱۵۶ ، ۱۱۳ ، ۹۹ ، ۹۸  
 احمد جام ( شیخ الاسلام ابو نصر احمد بن  
 ابی الحسین النامقی الجامی ،  
 ژنده پیل ) ، ۲۳۱  
 احمد بن داود ( خواجه نظام الدین هندی )  
 ۱۰۳  
 احمد سهیلی ، ۲۷۸ ، ۲۴۱  
 احمد بن طولون ، ۱۰۸  
 احمد بن عمرو بن مقدم رازی ، ۴۶  
 احمد بن فارس مؤدب ( ابو الحسین ) ، ۱۱۹  
 احمد فرنخودی ( خواجه ... ) ، ۱۰۴

ابو محمد یزیدی ، رک : یحیی بن مبارک  
 ابو مریم ، رک : زرین حبیش  
 ابوالمظفر ( علاء الدوله ) ، رک : اتسز  
 ابوالمظفر ( عماد الدوله ) ، رک : تمغاج خان  
 ابوالمظفر ، رک : خاقان کبیر  
 ابوالمعالی ، رک : صدرالدین قونوی  
 ابو معشر بلخی ، ( جعفر بن محمد بن عمر ) ، ۲۰۹  
 ابو مقاتل ضریر ، ۲۲۱  
 ابو مکرم ، رک : ابن مکرم  
 ابو منصور ، رک : ثعالبی  
 ابو منصور سجستانی ، ۱۸۸  
 ابو منصور ، رک : مؤید الدوله دیلمی  
 ابو موسی اشعری ( عبدالله بن قیس بن  
 سلیم بن حضار ) ، ۱۴۶ ، ۱۴۷  
 ابوالمؤید خوارزمی ، رک : موفق بن احمد  
 ابی النبی ، رک : تنوخی  
 ابو النجم ، رک : ایاز اویماق  
 ابو نصر ، رک : احمد جام  
 ابو نصر پارسا ، ( حافظ الدین ) ، ۲۳۱  
 ابو نصر فراهی ، ۱۲۴  
 ابو نصر ، رک : معین الدین طنطران  
 ابو نظر ، رک : عسجدی  
 ابو نواس ، ( حسن بن هانی ) ، ۳۱۷  
 ابو وائله ، رک : ایاس بن معاویه  
 ابی وداعه سهمی ، ۷  
 ابو هاشم ، رک : داود بن القاسم

- اسکندر ( ملک ... ) ، ۱۲۴  
 اسمعیل ( نبی ) ، ۴۲  
 اسمعیل بن محمد ، ۱۰۰  
 اسید بن حضیر ، ۲۳  
 اشعب بن جبیر مدنی ( ابوالعلاء ) ،  
 ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۱  
 اصمعی ( ابوسعید عبدالملک بن قریب )  
 ۴۱۳، ۳۳۶، ۱۴۴، ۱۴۳  
 اعمش ( ابومحمد سلیمان بن مهران )  
 ۳۸۹، ۳۷۶  
 اقبال آشتیانی ، رک : عباس اقبال  
 اوگتای قاآن ، ۲۷۳  
 الب ارسلان سلجوقی ، ۲۴۲  
 البتکین ، ۹۹  
 الخ بیگ بن شاهرخ ( طراغای محمد )  
 ۲۳۶، ۱۲۳  
 ام جعفر ، رک : زبیده  
 ام فروه ( بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر )  
 جدول  
 ام الفضل ( بنت مأمون ) ، جدول  
 امام اعظم ، رک : ابوحنیفه  
 امامی هروی ( رضی الدین ابو عبدالله  
 محمد بن ابی بکر ) ، ۲۶۹، ۲۶۸  
 امیر بابا حسن قوجین ، ۲۶۲  
 امیریگ روملو ، نه  
 امیر تیمور گورگانی ( قطب الدین ) ،  
 ۲۹۷، ۲۷۲، ۲۵۲، ۲۳۵، ۲۲۹، ۲۲۳  
 احمد مستوفی ( خواجه ... ) ، ۲۷۱  
 احنف بن قیس ( ابوالبحر ... ) ۱۷۳، ۷۳  
 اختیارالدین ( قاضی ... ) ، ۱۳۴  
 ادوارد بروان ، ۳۲۹، ۲۶۹، ۲۶۸  
 ادیب صابر ترمذی ( شهاب الدین ) ۲۶۷،  
 ۲۶۸  
 ادیب طوسی ( محمد امین ... ) ، ۳۰۷  
 اربلی ، رک : علی بن عیسی  
 ارپاگاون ، ( ارپه خان ) ، ۲۴۷، ۱۷۴  
 اردشیر ( شاه ... ) ، ۷۳  
 ارسطاطالیس ، ۱۹۳  
 ارسلان بن جاذب ، ۲۴۱  
 ارشد واعظ ( مولانا ... ) ، ۳۷۲، ۳۷۱  
 ارغون خان ، ۲۵۹  
 ازرقی ( ابوبکر زین الدین بن اسمعیل  
 الوراق الهروی ) ، ۲۴۷  
 ازهر جماز ، ۴۱۱  
 استخری ، هفت  
 اسحق بن شرفشاه ، ۳۶۵  
 اسحق بن فروه ، ۱۴۷  
 اسحق موصلی ( ابومحمد ) ، ۳۹۶، ۳۹۵  
 اسدی ( طوسی ) ، ۱۲۳، ۷۴  
 اسعد بن اسلم ، ۳۰۳  
 اسقلیبیوس ، ۳۱۱  
 اسکافی ( دبیر ) ، ۱۰۰  
 اسکندر ( مقدونی ) ، ۸۳، ۷۹، ۷۷، ۷۴، ۶۹ ،  
 ۲۱۳، ۱۲۷

ایل ارسلان ، ۲۴۵  
 ب  
 بایرین بایسنقر ( معزالدين ابوالقاسم )  
 ۲۵۵،۲۳۲،۲۲۸،۱۳۴،۱۲۴،۱۰۳  
 بایسنقر بن شاه رخ ( سلطان محمد میرزا . . )  
 ۲۷۲،۲۶۰،۲۵۵،۲۲۴،۲۲۳  
 بایقرا بن عمر شیخ بن امیر تیمور ( میرزا . . . )  
 ۲۵۳،۲۵۲  
 بختری ( شاه بن میکائیل ) ، هفت  
 بدرالدین جاجرمی ، ۲۵۸،۲۵۹،۲۶۸،۲۸۸  
 بدیعی سمرقندی ، ۲۳۷  
 براون ، رك : ادوارد براون  
 برغوث ، ۳۲۲  
 برندق ( میر بهاء الدین بن امیر نصرت  
 شاه بخاری ، ۲۵۲  
 برهانی ، ۲۵۷  
 بستانی ( بطرس لبنانی ) ، ۱۱۳،۱۱۵  
 بشاری ، هفت  
 بشر ، ۳۱۹،۳۲۰  
 بقراط حکیم ، ۱۹۳  
 بکار بن عبدالملک مروان ، ۴۰۵  
 بکر بن عتاب ، ۳۱۴  
 بلقیس ، ۵۷  
 بنائی هروی ( حالی ) ، ۲۹۷  
 بنان طفیلی ، ۳۴۹،۳۵۱،۳۵۳  
 بنی اسد ، ۴۲۱

امیر جمال الدین ، رك : عطاء الله بن محمود  
 امیر خسرو دهلوی ، رك : خسرو دهلوی  
 امیر شاهی سبزواری ( آقملک بن ملک  
 جمال الدین ) ، ۲۵۵،۲۶۰  
 امیر شیخ حسن بزرگ ( آل جلایر )  
 ۲۵۱،۲۵۰  
 امیر علمی ( پادشاه ) ۱۷۴  
 امیر علی شیر نوایی ( نظام الدین علی شیر بن  
 غیاث الدین محمد ) سه ، شش ، نه  
 ۱۸۷،۲۳۴،۲۳۵،۲۹۷  
 امیر علی که بن خالق بن کوکلتاش ، ۱۰۲  
 امیر کبیر ( ابوالمحمد . . . ) ، ۲  
 امیر مبارز الدین ، رك : محمد مظفر  
 امیر معزی ، رك : معزی  
 امیه ، ۷۳  
 انس بن مالک ، ۱۹،۳۹  
 انوری ( اوحد الدین . . . ) ، ۲۲۸،۲۴۴  
 ۲۴۶،۲۶۸  
 ۳۲۴  
 انوشیروان ، ۷۹،۸۳،۹۱،۹۴،۱۰۱،۱۹۴  
 ۲۱۵  
 اوحدی سراغی ، ۱۴۴  
 اولجایتو ، رك : محمد خدا بنده  
 ایاز اویماق ( ابوالنجم ) ، ۲۴۱،۲۴۲  
 ایاس بن معاویه مزنی ( ابووائله ) ،  
 ۳۸۷،۱۸۵

پیر احمد خوانی (خواجہ غیاث الدین ... )،

۲۶۲ ، ۱۰۴ ، ۱۰۳

پیر جمال عراقی (جمال الدین احمد

اردستانی) ، ۲۳۲

پیر شمس (مولانا ....) ، ۳۹۱

### ت

تاتار ، ۱۰ ، ۲۷۴

تاج الملک فارسی (ابوالغنائم مرزبان بن

خسرو فیروز معروف با بن دارست) ،

۲۵۷

ترکان خاتون ، ۱۳۱ ، ۲۵۷

تکتم ، جدول

تکش (سلطان) ، ۲۴۵

تمغاج خان (ابوالمظفر عمادالدوله

ابراہیم بن نصر) ، ۱۳۱ ، ۲۵۷

تنوخی (ابی النبی محمد ...) ، ۴۳

توفیق یزدانی (شیخ محمد رضا ...)،

یک ، شانزده

تولی خان ، ۲۷۳

### ث

ثعالبی (امام ابومنصور عبدالملک بن

محمد بن اسمعیل نیشابوری) ، ۱۱۳

ثعلبی شاعر ، ۲۲۱

ثعلبی (محمد بن عبدالواحد ...) ، ۶۹

۳۱۳ ، ۳۱۱ ، ۱۹۸ ، ۱۹۳ ، ۸۹

### ج

جاہر بن یزید الجعفی الکوفی ، ۴۳

بنی اسرائیل ، ۶۳

بنی امیہ ، ۴۲ ، ۱۳۲ ، ۴۱۲

بنی تیم الله بن ثعلبہ ، ۴۲۰ ، ۸

بنی ثقیف ، ۱۳۲

بنی حمیر ، ۸۳

بنی حنیفہ ، ۳۹

بنی زہر ، ۲۸

بنی سلیم ، ۳۶۳

بنی عامر ، ۳۶۳

بنی عباس ، ۴۴ ، ۵۱ ، ۱۲۱ ، ۲۱۵

بنی فاطمہ ، ۵۱

بنی کلب ، ۹۸

بنی معد ، ۳۵۹

بنی ہاشم ، ۴۲ ، ۱۳۲ ، ۳۸۸

بہاء الدین عمر جفاری کی ، ۲۳۳

بہاء الدین محمد (خواجہ ..) ، ۲۸۸

بہادر خان ، رک : ابوسعید بن اولجایتو

بہرامشاہ (غزنوی) ، ۷۹ ، ۸۰

بہلول (وہیب بن عمرو کوفی) ، ۴۱۷

۴۱۹ ، ۴۲۳

بوران (بنت حسن بن سہل) ، ۱۱۶

بوزرجمہر ، ۷۹ ، ۲۱۴ ، ۱۱۵

### پ

پادشاہ ، مولانا ....) ، ۱۲۴ ، ۱۷۷

پہلوان محمود پوربای ولی (قتالی

خوارزمی) ، ۱۴۶ ، ۲۷۴ ، ۲۷۶

جلال الدین خوارزمشاه (منکبرنی) ، ۲۶۰ ،  
جلالی نائینی ( محمدرضا . . . . ) ، ۵۵ ،  
چهارده ،  
جماز ( ابو عبدالله محمد بن عمر بن عطاء ) ،  
۳۱۷ ، ۳۱۴

جنید ( ابو القاسم ) ، ۱۷۰ ، ۳۱۲ ،  
جهانگیر پادشاه ، پنج  
جهان ملک ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ،  
جوحی ، ۱۵۳ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۲۴ ، ۳۲۷ ،  
۳۲۸ ، ۳۳۷ ، ۳۹۰

ج

چنگیز ، ۸۹ ، ۱۷۰ ، ۲۷۳

ح

حاجی وزیر ، ۱۰۴  
حافظ شیرازی ( خواجه شمس الدین محمد بن  
خواجه بهاء الدین ) ، ۱۴۴ ، ۲۲۳ ،  
۲۲۷ ، ۲۲۹ ، ۲۷۸ ، ۳۲۹ ، ۳۶۷  
حافظ عبدالعزیز جنابدی ، رک :  
ابن الاخضر

حافظ غیاث ، ۲۳۳

حبیب الله ساوجی ( خواجه کرم الدین . . . ) ،  
۲۸۹

حجاج بن یوسف ثقفی ( ابو محمد ) ، ۷۰ ،  
۸۳ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ ،  
۱۳۳ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۴۲ ،  
۱۸۷ ، ۳۹۴

جاحظ بصری ( ابو عثمان عمرو بن بحر ) ،  
۳۸۸

جالینوس حکیم ، ۱۹۳ ، ۳۱۱  
جاسی ( عارف جام ، مولانا نورالدین  
عبدالرحمن . . . . ) سه ، چهار ، پنج ،  
شش ، ده ، یازده ، سیزده ، ۱۹۶ ، ۲۰۷ ،

۲۲۴ ، ۲۳۱ ، ۲۳۲ تا ۲۳۹ ، ۲۵۵ ،  
۲۷۲ ، ۲۸۶ ، ۲۸۷ ، ۳۴۱ ، ۴۱۴  
جریر شاعر ( ابو حزره . . . ) ، ۴۱۲ ،  
جریر بن عبدالله بجلی ، ۷

جعدہ ( بنت اشعث بن قیس ) ، جدول  
جعفر اقبال ، هفده  
جعفر طیار ، ۲۵۲

جعفر بن عمرو بن امیه ، ۹۷  
جعفر بن محمد ، ع ( امام صادق ، ابو عبدالله  
... ) ، جدول ، ۴۵ ، ۴۶ ،  
۴۷ ، ۴۹ ، ۵۳ ، ۲۵۲ ، ۳۰۳

جعفر بن منصور عباسی ، ۹۳ ، ۳۸۴  
جعفر بن یحیی بن خالد برمکی ، ۹۸ ، ۱۱۰ ،  
۱۱۵

جلال عضد ( سید جلال الدین محمد بن  
عضد یزدی ) ، ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۳۴۶ ،  
جلالای طباطبا ، ۳۰۳

جلال الدین بلخی ( مولانا . . . ) ،  
۱۴ ، ۱۷۰ ، ۳۲۴ ، ۳۵۵



حکیمه ( بنت امام علی النقی ع ) ، ۶۱ ،

حمزہ بن عبدالمطلب ، ۲۷۱ ،

حمزہ بن علی ، رک : آذری

حمیدالدین جوهری مستوفی : ۲۸۶

حمیدہ بربریہ ، جدول

حنظلہ نمیری ، ۳۸۹ ،

حوا ، ۳۴۵ ،

حیات حرانی ، ۱۱۱ ،

خ

خاقان اکبر ( ابوالہیجا فخرالدین

منوچہر بن فریدون شروانشاہ ) ۲۲۲

خاقان کبیر ( ابوالمظفر جلالالدین

اخرستان بن منوچہر ) ۲۲۲

خاقان مغفور ، رک : سلطان حسین میرزا بایقرا

خاقان منصور ، رک : شاہرخ بن تیمور

خاقانی ( ابوبدیل افضل الدین ابراہیم ،

حسان العجم ) ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۴۳ ، ۲۶۸

خاکی کابلی ( شاعر ) ، ۲۳۶ ،

خالد ، ۱۴۷ ،

خالد برمکی ، ۵۱ ، ۹۸ ،

خان آرزو ، رک : سراج الدین علیخان

خاندان جوینی ، ۱۰ ، ۲۵۸ ،

خواندسیر ( غیاث الدین بن ہمام الدین

الحسینی ) ، شش ، ۲۳ ،

خدیجہ کبری ، ۲۱ ،

خرام بن ملحان ، ۳۶۳ ،

حدیث ، جدول

حرب بن امیہ ، ۱۳۳ ،

حسام الدین سالار سمرقندی ، ۳۷۵ ،

حسن بن اسحاق ، رک : فردوسی

حسن بصری ( ابوسعید حسن بن ابی الحسن ) ،

۳۸۷ ، ۳۱۱

حسن بیگ ترکمان ( امیر ... ) ، ۱۲۴ ،

حسن بن خالد بن محمد بن علی البرقی

( ابوعلی ) ، ۵۳ ،

حسن دهلوی ( امیر حسن سجزی ) ، ۲۲۹ ،

حسن بن زید ( داعی کبیر ) ، ۲۲۱ ،

حسن بن سہل ، ۱۱۶ ،

حسن شاہ ہروی ، ۱۸۲ ، ۲۷۲ ،

حسن بن علی ، ع ( ابو محمد ، مجتبی ) ،

۱۳ ، جدول ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۰ ، ۴۷ ، ۱۳۹ ،

حسن بن علی ، ع ( امام حسن عسکری ،

ابو محمد ) ، جدول ، ۵۹ ، ۶۱ ، ۳۱۲ ،

حسین خان ، ہشت

حسین بن فضل السرخسی ، ۳۸۳ ، ۳۸۴ ،

حسین بن علی ، ع ( ابو عبد اللہ ، رشید ) ، ۱۵

جدول ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۲ ، ۱۵۵ ، ۳۷۶ ،

حسین کاشفی واعظ ( مولانا کمال الدین

..... ) ، سہ ، شش ، ہفت ،

دہ ، یازدہ ، دوازدہ ،

سیزدہ ، ۱ ، ۳۳ ، ۲۳۴ ،

حسین بن وہب ، ۳۱۴ ،

د	خرد معرف ، ۳۰۱
دارا ( هخامنشی ) ، ۸۳ ، ۱۲۷ ، ۲۱۳	خسرو پرویز ، ۲۴ ، ۷۹ ، ۸۹ ، ۲۱۰ ،
داعی کبیر ، رك : حسن بن زید	۳۹۳ ، ۳۳۶
داود ( نبی ) ، ۱۷۴ ، ۳۸۴ ، ۳۹۸	خسرو دهلوی ( امیر... ) ، ۲۱۰ ،
داود بن القاسم الجعفری ( ابو هاشم ) ، ۵۹	۲۸۵ ، ۲۸۳ ، ۲۷۹ ، ۲۷۱
دایه ، رك : نجم الدین رازی	خسروی هروی ، ۴۱۴
دبیران ، رك : علی بن عمر بن علی قزوینی	خلاق المعانی ، رك ، کمال الدین اسمعیل
دبیران ( غلامرضا... ) ، هفده	خلیل سلطان بن میرانشاه ، ۲۵۲
دربندی ( کمال الدین... ) ، دو ، هفده	خمارویه بن احمد بن طولون ( ابو الجیش )
درویش احمد سمرقندی ، ۱۹۰	۱۰۹ ، ۱۰۸
دعبل بن علی الخزاعی ( ابو علی ) ، ۳۴۱	خواتین جبیر بن نعمان بن امیه ( ابو عبدالله ) ،
دلشاد خاتون ، ۲۵۱ ، ۲۵۰	۱۸ ، ۱۷
دشوق خواجه ، ۲۵۰	خواجه احرار ، رك ، عبیدالله احرار
دورمیش خان ، ۲۸۹	خواجه پارسا ، رك : محمد بن محمد بن
دولت شاه سمرقندی ، ۱۵۵ ، ۲۲۳ ، ۲۵۳	محمود
۲۷۶ ، ۲۷۵ ، ۲۷۴ ، ۲۶۷ ، ۲۶۳ ، ۲۵۴	خواجهوی کرمانی ( کمال الدین ابو العطاء
۳۲۹	محمود بن علی ) ، ۱۵۱ ، ۲۲۲ ، ۲۷۸ ، ۳۳۰ ،
ذ	خواجه خضر ، ۲۳۷ ، ۲۸۲ ، ۲۸۷ ، ۳۷۰ ،
ذبیح الله صفا ( دکتر... ) ، ۲۶۵ ، ۲۷۹	خواجه عبدالله انصاری ( شیخ الاسلام ) ،
ذوالریاستین ، رك : فضل بن سهل	۱۷۶ ، ۱۹۰ ، ۲۳۵
ذوالقرنین ، ۴۲۰	خواجه کلان ، رك : محمد اکبر
ذوالیمینین ، رك ، طاهر بن حسین	خواجه نصیر طوسی ، رك ، نصیر الدین محمد
ر	خواجه نظام الملک ، رك : نظام الملک
رابعه عدویه ، ۳۳۵	خوارج نهران ، ۱۶۱
رافع بن لیث بن نصر بن سيار ، ۹۳	خولته بنت جعفر ، ۳۹
ربیع حاجب ( ابو الفضل ربیع بن یونس ) ، ۴۴	خیزران ، جدول

## ز

زاهر بن حرام الاشجعی ، ۱۷  
 زبیده ( بنت جعفر بن منصور ، ام جعفر ) ،  
 ۳۸۴ ، ۷۰  
 زبیر بن عبدالمطلب ، ۲۷  
 زربن حبیش الاسدی ( ابومریم ) ، ۳۴  
 زقاق ، ۳۹۸  
 زکریای قزوینی ، ۲۶۷  
 زمخشری ( جارالله ، ابوالقاسم محمود بن عمر )  
 ۳۱۴ ، ۱۷۴ ، ۸۴ ، ۳۷ ، ۲۹  
 زولی ( مولانا... ) ، ۲۳۹  
 زین الدین خوافی ( ابوبکر ) ، ۲۳۳ ، ۲۳۱  
 زین العابدین ، رک : علی بن الحسین ، ع  
 زین العابدین گنابدی ( جنابدی ، سید... )  
 ۲۲۳ ، ۱۲۳

## ژ

ژنده پیل ، رک : احمد جام

## س

سادات عریضی ، ۲۶۲  
 سادات علوی ، ۲۱۶ ، ۲۱۵  
 ساغری ( شاعر ) ، ۲۳۹ ، ۲۳۸ ، ۲۳۷  
 سام میرزای صفوی ، نه ، ده  
 سبکتکین ( امیر ناصر الدین... ) ، ۱۰۷  
 سپهر ( محمد تقی لسان الملک ) ، ۷  
 سجاد ، رک : علی بن الحسین ، ع  
 سدید عوفی ، رک : عوفی

رستم ، ۳۶۳

رسول اکرم ، رک : محمد بن عبدالله ص  
 رسول الله ، رک : محمد بن عبدالله ص  
 رشید ، رک : هارون الرشید

رشید وطواط ( رشید الدین سعد الملک  
 محمد بن محمد بن عبد الجلیل بن عبد الملک  
 عمری ) ، ۱۵۵ ، ۱۷۷ ، ۱۷۷ ، ۲۴۳ ، ۲۴۶ تا ۲۶۷ ،  
 ۲۶۸

رشید الدین فضل الله ( خواجه... ) ، ۱۷۴  
 رشیدی سمرقندی ( استاد ابو محمد بن  
 محمد الرشیدی ) ، ۲۴۹

رضی الدین عبدالغفور لاری ، پنج

رضی الدین علی ( امیر... ) ، ۲۵۴

رکن صاین ( رکن الدین سمنانی ) ،

۲۴۸ ، ۲۴۷

رکن الدوله دیلمی ( ابوعلی حسن بن

بویه ) ، ۱۱۹

رکن الدین بن میرزا بایسنقر بن شاهرخ

( میرزا اعلاء الدوله... ) ، ۲۸۱ ، ۲۵۴

رکن الدین هروی ، رک : رکن صاین

رمضانی ( حاج محمد... ) ، دو ، شانزده ،

هفده

روملو ( حسن ) ، نه ، ۲۸۹

ریحانه مجنونه ، ۴۲۴

ریو ( دکتر... ) ، سیزده

سلطان حسین میرزا بایقرا ( ابوالغازی )  
 ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۱۸۶، ۱۳، ۱۰  
 سلطان شاه ( ابوالقاسم محمود بن ایل ارسلان )  
 ۲۴۶، ۲۴۵  
 سلطان محمود غزنوی ، رك : محمود بن  
 سبکتکین  
 سلطان نصر الله ، ۱۷۶، ۱۷۵  
 سلمان ساوجی ( جمال الدین بن علاء الدین  
 محمد ، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۲  
 ۲۷۱، ۲۷۰ ، ۲۵۱، ۲۵۰  
 ۳۱۵، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۳  
 سلمان فارسی ، ۳۱۱  
 سلمة بن دینار الفارسی ( ابو حازم اعرج  
 مدنی ) ۱۷۱  
 سلیمان ( نبی ) ، ۳۸۴، ۳۱۸، ۱۷۴، ۵۷  
 سلیمان بن عبدالملک ( ابویوب ) ، ۶۹  
 ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۱  
 سلیمان بن مخلد موریانی ( ابویوب )  
 ۱۰۸، ۱۰۷  
 سلیمان بن وابل ، ۹۷  
 سلیمان بن وهب ( ابویوب ) ، ۱۰۸، ۱۰۷  
 سمانه ، جدول  
 سنجر بن ملکشاہ سلجوقی ( ابوالحارث  
 ناصر الدین احمد ... )  
 ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴ ، ۲۴۳  
 ۲۷۷، ۲۶۸، ۲۵۲ ، ۲۴۷

سراج الدین علیخان آرزو (سراج المحققین)  
 ۲۸۲  
 سراج الدین قمری مازندرانی ، ۲۸۱، ۲۷۰  
 مربداران ، ۲۶۲  
 سری سقطی ( ابوالحسن ) ، ۳۱۲  
 سعادت ( غلام ) ، ۲۵۱، ۲۵۰  
 سعد بن زنگی ( اتابک ... ) ، ۲۵۹  
 سعد بن عباده ، پنج  
 سعد الدین کاشغری ( مولانا ... ) چهار  
 پنج ، یازده ، ۲۳۵، ۲۳۱  
 سعد الدین مشهدی ، چهار  
 سعد الدین مولتانی ، ۱۷۹  
 سعدی ( شیخ اجل مصلح الدین شیرازی )  
 پانزده ، ۲ ، ۱۰۲ ، ۲ ، ۱۷۵ ، ۲۳۶ ، ۲۵۹  
 ۲۸۰ ، ۲۶۹ ، ۲۶۸  
 سعید حاجب ، ۵۸  
 سعید مولتانی ( مولانا ... ) ، ۱۷۹  
 سعید بن هارون الکاتب ، ۳۴۲، ۳۴۱  
 سعید نفیسی ( استاد ... ) ۲۷۳، ۲۵۹  
 سفاح ( ابوالعباس ) ، ۷۷  
 سفیان ثوری ( ابو عبدالله ) ، ۴۳  
 سفیان بن عیینه ( ابو محمد ) ، ۳۸۷، ۴۷  
 سکران بن عمرو ، ۲۱  
 سلسله طاهریان خراسان ، ۹۷  
 سلسله نقشبندیه ، سه ، یازده ، دوازده  
 سلطان اویس جلایر ، ۲۵۱، ۲۵۰ ، ۲۲۷  
 ۳۳۰

شاه شجاع ، ۲۴۸ ، ۲۵۱ ، ۲۷۵ ، ۳۷۱ ، ۳۷۲

شاه طهماسب صفوی ، هشت ، نه ، پانزده ،

۲۷۵

شاه طیب ، ۲۳۱

شاهفور نیشابوری ( اشهری ) ، ۲۶۰

شاه محمد سلطان ( سیف الملوك ) ، هشت

نه ، یازده ، ۱

شاه محمود ( آل مظفر ) ، ۲۷۵

شاه منصور ( شجاع الدین منصور بن

شرف الدین مظفر ) ، ۲۲۳

شریح بن الحارث بن قیس بن الجهم

( ابا امیه ) ، ۱۸۳ ، ۱۸۴

شریک بن حنبل العبسی ، ۱۳۲ ، ۱۳۳

شعبی کوفی ( ابو عمرو عامر بن شراحیل

الحمیری ) ، ۱۸۳

شفر فرانسوی ( ش ، ... ) هشت ، دوازده

سیزده

شفیعی ( مهندس حسین ... ) ، هفده

شقیق بلخی ( ابو علی شقیق بن ابراهیم )

۳۱۱

شمامه ، ۳۴۶

شمر بن ذی الجوشن ، جدول

شمس الدین طبسی ( محمد بن عبدالکریم ،

قاضی ... ) ، ۲۶۶ ، ۲۶۷

شمس الدین محمد امین ( خواجه ... ) ،

۱۰۴

سوده ( بنت زمه ) ، ۲۱

سوزنی سمرقندی ( محمد بن مسعود )

۲۷۶

سویبط بن سعد بن حرمله عبدری ، ۲۵ ، ۲۶

سهل بن سعد ( ابو العباس ) ، ۹۰

سیار اعمی ، ۳۷۵ ، ۳۷۶

سید اجل ، ۱۱۳

سید جنابدی ، رك : زین العابدین جنابدی

( گنابدی )

سید رضی الدین ( السید الشریف ابو الحسن

محمد بن الحسین ) ، ۱۶۰

سید شرف الدین رضای سیزواری ، ۲۶۲

سید عضد یزدی ، ۲۶۱ ، ۲۶۲

سیف بن ذی یزن ( معدیکرب ) ، ۸۳

سیف الدین احمد ، ۲۳۳

سیف الدین اسفرنگی ( اعرج ) ، ۲۷۹

سیمی معمانی ، ۲۸۱ ، ۲۸۲

ش

شافعی ، ۲۳۴

شاملو ، ۲۸۹

شاه اسمعیل صفوی ، ده ، ۲۸۹

شاهرخ بن تیمور ( خاقان منصور ) ، ۱۰۲

۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۲۴ ، ۱۷۶

۱۶۸ ، ۲۲۴ ، ۲۵۲ تا ۲۵۵

۲۶۲ ، ۲۷۱ ، ۲۷۴

شاه سلطان ، ۲۴۸

شمس الدین محمد روجی ، پنج  
شمس الدین محمد صاحب دیوان (خواجه  
۲۵۹۰۲۵۸۰ (....  
۲۸۸۰۲۶۹۰۲۶۰

شمس الدین محمد لوسوی ، ۲۳۱۰  
شمس الدین مظفر ، ۱۷۴  
شمس الدین منصور بن محمود الاوزجندی  
( قاضی امام ... ) ۲۶۷۰  
شمس فخری ، شمس الدین محمد بن  
فخر الدین سعید اصفهانی  
۴۰۱۰۲۴۸

شمس ابو ( شختر یزد لرد ساسانی )

جدول ، ۴۲۰

شیخ الاسلام ، رك : خواجه عبدالله انصاری  
شیخ الاکبر ، رك : ابن عربی  
شیخ حسین محسوب ( شمال اندین ) ۲۳۲۰  
شیخ زین الدین خوافی ، ۱۹۰۰  
شیخ مجد الدین ، رك : فیروز آبادی  
شیخ معجب الدین ، رك : معجب الدین عربی  
شیخ منید ( ابو عبدالله محمد بن محمد بن  
النعمان الحارثی ) ۴۹۰۴۶۰  
شیخ نجم الدین ، رك : نجم الدین زاری  
۳۳۶۰

ص

صائب تبریزی ( میرزا محمد علی )

۲۴۱۰۲۳۲

صاحب الدوله نراد ، ۱۲۴  
صاحب دیوان ، رك : شمس الدین محمد  
صاحب عباد ( ابو القاسم اسمعیل بن عباد )  
۱۱۵۰۱۱۳۰۱۱۱۰۱۰۴

صاعده بنت قزرام ، ۳۲۷  
صالح ( نبی ) ، ۱۱۰  
صخر بن حرب بن امیه ( ابوسفیان ) ، ۶۴۰  
۱۳۳۰۷۳

صدر الدین ابراهیم ، ۱۰۴  
صدر الدین زواری اسفراینی ، ۲۳۳  
صدر الدین فونوی ( ابوالمعالی محمد بن  
مجد الدین ) ، ۱۷۱۰۱۷۰۰  
صدر الشریعه ، ۱۸۷۰

صدر الشریعه بخاری ( یر همان الدین محمود  
ابن احمد ) ، ۲۶۷۰۲۶۶۰  
صدیقی ( ابراهیم ... ) ، هفده  
صنی سبزواری ، رك : فخر الدین علی صنی  
صنی الدین خراسانی ، سیزده  
صنی الدین محمد بن نور الدین عبدالرحمن  
جاسی ، ده

صفا ، بنت عبدالمتعب ، ۲۱۰  
صهیب بن سنان رومی ( ابو جحیی ) ، ۲۴۰

ض

ضباعه ( بنت زبیر بن عبدالمتعب ) ، ۲۷۰  
ضجاک بن سنان لسانی ، ۲۳۰  
ضمیر بن شمرة ، رك : معیدی